



مطالعه سطح اخلاق زیست محیطی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان ابهر

و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده

محمد رضوانی^{۱*}، سید مهدی موسی کاظمی^۲، محمد عارفیان^۳

^۱استادیار دانشگاه پیام نور، عضو هیأت علمی منابع طبیعی و محیط زیست مرکز تهران

^۲استادیار دانشگاه پیام نور، عضو هیأت علمی گروه جغرافیا (جمعیت و توسعه) مرکز تهران

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش محیط زیست دانشگاه پیام نور مرکز ری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۹

The relationship between the family socio-demographic characteristics and the environmental ethics of the high school students in Abhar

M. Rezvani^{1*}, M. MoosaKazemi², M. Arefian³

¹Department of Environment and Natural resources,
Payame Noor University

²Department of Geography (Population & Development),
Payame Noor University

³M.Sc. student of Environmental Education, PayameNoor University

Abstract

In this study, the effects of socio-demographic characteristics of the family on the students' environmental ethics (children of the families) were assessed. In this descriptive study, all the high school students 1391-92 of Abhar, Zanjan were recruited. The population included 4467 persons, and based on the Morgan's table, 360 persons were randomly selected using two-step cluster method. The research instrument was a structured questionnaire consisting two parts "socio-demographic characteristics of the family" and "environmental ethics of the students." Validity of the questionnaire was assessed by a group of consulting professors and specialists of environmental education, and the reliability was pretested among 30 students, and was finally approved with the Cronbach's alpha coefficient 0.771. Analyzing the results of the questionnaires, none of the variables including: number of children, parental educations, parental occupations, real estate or rental houses, and being emigrants or citizens had a significant relationship with the level of environmental ethics of the students.

Keywords: Population, environmental ethics, family, high school

چکیده

این مقاله به مطالعه نقش ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده در شکل‌گیری اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان (فرزندان خانواده) می‌پردازد. این تحقیق از نوع توصیفی، تحلیلی و پیمایشی بوده جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان ابهر در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ می‌باشد. تعداد افراد جامعه ۴۴۶۷ نفر بوده که با توجه به جدول مورگان ۳۶۰ نفر از آنان به عنوان نمونه به صورت تصادفی و با روش خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش، پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل دو بخش «ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده» و «اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان» بوده که روایی صوری آن با مشورت جمعی از استادان و کارشناسان علوم تربیتی و محیط زیست تأمین و پایایی آن پس از تکمیل توسط ۳۰ نفر از دانش‌آموزان، با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷۱ تأیید گردیده است. در تحلیل نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها مشخص شد که هیچیک از متغیرهای مورد بررسی شامل: تعداد فرزندان خانواده، تحصیلات والدین، وضعیت شغلی والدین، وضعیت مالکیت منزل مسکونی و وضعیت مهاجرت خانواده، رابطه معنی داری با سطح اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان ندارد.

کلید واژگان: جمعیت، اخلاق زیست محیطی، خانواده، دوره متوسطه

مقدمه

یکی از مسائلی که به ویژه در دهه‌های اخیر به عنوان تهدیدی علیه پایداری محیط زیست و رفاه جوامع بشری محسوب می‌شده، رشد بی‌رویه جمعیت در جوامع است که توسط برخی کارشناسان علت اصلی تخریب محیط زیست، بهره‌کشی نامعقول از منابع، بحران‌های اقتصادی و ناامنی‌های اجتماعی قلمداد شده است؛ اما عده دیگری از کارشناسان، چالش‌های پیش‌گفته را نه مستقلاً ناشی از رشد جمعیت، بلکه تابعی از نوع رفتار و زندگی آحاد جامعه بشری می‌دانند؛ به طوری که روش زندگی ناپایدار در یک جامعه کم جمعیت، ممکن است بیش از روش زندگی پایدار در یک جامعه پرجمعیت بتواند باعث بروز چالش‌ها و بحران‌های محیط زیست، اقتصاد و اجتماع شود. به همین علت، چگونگی مدیریت مقوله جمعیت، همواره از مسایل بحث‌انگیز در جوامع توسعه یافته و به تبع آن جوامع در حال توسعه بوده و برنامه‌های مختلفی نیز در این رابطه طراحی، اجرا و بررسی شده است.

در کشور ما برنامه‌های ساماندهی جمعیتی در دو نوبت (یک نوبت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و نوبت دیگر از پس از پایان جنگ تحمیلی) به مورد اجرا گذاشته شده که به خصوص دور دوم اجرای این برنامه به دلیل شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی و همچنین اعتماد مردم به دولتمردان، از نظر کمی پیشرفت چشمگیری داشته است.

دور دوم سیاست‌های جمعیتی کشور از سال ۱۳۶۸ به اجرا درآمد و به دلایل مختلف به یکی از سیاست‌های موفق تبدیل مولید در کشورهای پرجمعیت در حال توسعه تبدیل شد و حتی از هدف تعیین‌شده نیز پیش افتاد و توانست میزان باروری کل زنان را به سرعت کاهش دهد و در یک دوره کمتر از ۲۰ ساله، آن را از ۶/۴ فرزند زنده متولدشده در سال ۱۳۶۵ به ۱/۹ فرزند زنده متولدشده در سال ۱۳۸۵ برساند (Zanjani, 2000). همین امر، نگرانی‌هایی را در خصوص وضعیت هرم جمعیتی و پیر شدن جمعیت کشور به دنبال داشته، تاجایی که با توصیه کارشناسان و موافقت دولتمردان، کشورمان در آستانه اجرای یک رویکرد و برنامه جدید

ساماندهی جمعیتی قرار گرفته است. یکی از اهداف مهم برنامه‌های جمعیتی، متعادل نمودن جمعیت هر کشور با امکانات و منابع زیستی آن کشور در جهت رسیدن به توسعه پایدار و فراهم آوردن شرایط زندگی مطلوب برای تمامی مردم می‌باشد و در این رابطه برنامه‌های کنترل (جمعیت و تنظیم) خانواده یکی از بازتاب‌های عملکرد مدیریت زیست محیطی است (J.Barrow, 2001). لذا آشنایی با پیامدهای زیست محیطی ناشی از به کارگیری رویکردهای مختلف جمعیتی، به منظور اصلاح و بهبود این رویکردها در برنامه‌ریزی‌های آتی ضرورت دارد. در این راستا در تحقیق حاضر، رابطه ویژگی‌های جمعیت شناختی خانواده‌ها با سطح اخلاق زیست محیطی فرزندان آن‌ها، بررسی شده است.

مبانی نظری تحقیق

در خصوص ارتباط مقوله جمعیت با کیفیت محیط زیست، نظرات متنوعی از سوی اندیشمندان ارائه شده است. در میان دانشمندان غربی عده‌ای با این توجیه که جمعیت بیشتر، با یک رابطه کاملاً خطی، نیاز به مصرف منابع بیشتر دارد و منابع زمین نیز روزی به پایان خواهد رسید، خواهان کاهش سریع جمعیت جهان بوده‌اند. عده‌ای دیگر نیز با بیان این مطلب که جمعیت بیشتر، فکرهای جدیدتر و انرژی‌های بیشتری برای پیشرفت جوامع فراهم خواهد نمود، چنین استدلال نموده‌اند که پیشرفت تکنولوژی، خواهد توانست تبعات منفی ناشی از رشد جمعیت را از بین ببرد (J.Barrow, 2001). نهایتاً از سوی عده‌ای دیگر، الگوی جامع‌تری در این زمینه ارائه شد که طبق آن مقدار آلودگی [و یا کیفیت محیط زیست] به سه عامل بستگی خواهد داشت: تعداد جمعیت، مقدار منبعی که هر فرد استفاده می‌کند و آلودگی حاصله از استفاده هر واحد از منبع (Miler, 2001). در یک جمع‌بندی برخی نکات در نظر علمای مسلمان نیز در خصوص ارتباط مقوله جمعیت با کیفیت حیات عبارتند از: الف) درباره توان حیاتی خاک، [که در صورت مدیریت صحیح می‌تواند تأمین‌کننده نیاز جمعیت بیشتری باشد]، کم و بیش، دیدگاه‌ها از هماهنگی برخوردارند. ب) عامل فقر در پاره‌ای از

مراحل، ابتدا به حیوان غیر انسان، سپس موجودات زنده در کل و بعد به مجموعه‌هایی نظیر جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم‌ها، دریاچه‌ها، جویبارها، و کوه‌ها دارد. بسط موضوع در هر مرحله غیر معمول‌تر و مشکل آفرین‌تر از قبل بوده است... سایر انسان‌ها نیز بخشی از محیط زیست فرد محسوب می‌شوند. آیا این بدان معنی است که اخلاق محیط زیست، اخلاق توجه به انسان را نیز شامل می‌شود؟ اگر چنین باشد اخلاق محیط زیست را نمی‌توان از اخلاق به مفهوم متداولش تمیز داد. اما به لحاظ عملی تشخیص شاخه‌ای از اخلاق که به درستی و نادرستی برخورد ما با عالم غیر انسان بپردازد مناسبتر است. اخلاق محیط زیست نه فقط به محیط طبیعی بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد؛ به این [معنی] که انسان، چگونه به لحاظ فیزیکی، ذهنی و روحی تحت تأثیر طراحی و مصالح ساختمان‌هایی که در آن زندگی یا کار می‌کند، چیدمان شهری، تأمین خدمات عمومی و غیره قرار می‌گیرد (Benson, 2003).

جدول (۱) پاسخ اخلاق اسلامی به دو پرسش اساسی اخلاق زیست محیطی

چه چیزی به طور ذاتی ارزشمند است؟	
خدا محوری	تمامی مخلوقات زنده و غیر زنده (کل هستی) مخلوق خداوندند و به همین دلیل دارای ارزش و شایسته توجهات اخلاقی می‌باشند.
چه چیزی باعث می‌شود یک عمل، درست یا نادرست محسوب شود؟	
خدا شناسی	پی بردن به صفات و دستورات الهی برای ارتباط با زیست بوم.

(Sarvestani, 2012)

احمد عابدی سروستانی، منصور شاه‌ولی و سید مصطفی محقق داماد نیز با بهره‌گیری از مبانی اخلاق اسلامی، پس از ذکر سه سطح از نوع رابطه انسان با محیط زیست بر مبنای ارزش ذاتی (مقوله‌ای که به خودی خود دارای ارزش است و ارزش مقوله‌های دیگر نیز در ارتباط با آن تعریف می‌شود)، شامل انسان محوری، زیست محوری و زیست بوم محوری که هم اکنون رایج می‌باشند، به ذکر سطح چهارمی از ارزش‌مداری در اخلاق زیست محیطی با عنوان «خدامحوری» می‌پردازند که در

کشورها را بیشتر در سرشکن نامناسب توانایی‌ها و ثروت جهانی دانسته‌اند تا زیادی مردم و ساکنان آن کشورها. (ج) به نظریه مالتوس، بیشتر به دیده تردید نگریسته شده است (Rahbari, 2006). همچنان که دیده می‌شود غالب اندیشمندان به نوعی بر این نکته اتفاق نظر دارند که در کنار افزایش یا کاهش تعداد نفوس، نوع رفتار انسان‌ها در قبال محیط زیست نیز نقش تعیین کننده‌ای در تأمین رفاه و بهبود کیفیت زندگی آنان دارد؛ لذا شایسته است در کنار مقوله ساماندهی جمعیت در جهت ارتقای سطح اخلاق زیست محیطی جامعه نیز تلاش نمود.

گرچه در خصوص بررسی نگرش و رفتار زیست محیطی انسان‌ها به خصوص در سال‌های اخیر، آثار و پژوهش‌های متنوعی منتشر شده است؛ اما شمار آثاری که به طور خاص دارای عنوان «اخلاق زیست محیطی» باشند، کمتر است؛ چه اینکه بررسی مقوله اخلاق زیست محیطی علاوه بر اشراف بر علوم زیستی و بوم‌شناسی، نیازمند شناخت جنبه‌های روحی و معنوی انسان (به عنوان موضوع علم اخلاق) می‌باشد؛ بنابراین باید گفت: اخلاق زیست محیطی یک بحث بین رشته‌ای است که علاوه بر ارتباط با علوم زیستی و بوم‌شناسی، با علوم همچون علوم دینی، فلسفه، روانشناسی، اخلاق سنتی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و حتی صنعت و علوم سیاسی نیز مرتبط می‌باشد. لذا این مقوله گسترده‌تر از آن است که بتوان آن را با روش‌های خاص حاکم بر یک یا چند رشته علمی بررسی کرد.

جان بنسون به عنوان یک اندیشمند از مغرب زمین، پس از طرح مقدماتی از علم اخلاق و ارتباط آن با محیط زیست، گویی به نوعی تلاش دارد که خود را از پیچیدگی پیش گفته رها کند و اخلاق زیست محیطی را بیشتر معطوف به جنبه‌های غیر انسانی آن قلمداد نماید؛ او می‌نویسد: اخلاق به افراد و گروه‌ها به عنوان فاعلان و مفعولان اعمال، یعنی عمل‌کنندگان و آنچه عمل بر آن وارد می‌شود، مربوط است. توجه اخلاق به طور سنتی بر انسان به عنوان فاعل و مفعول هر عمل، متمرکز بوده است. بسیاری از گزارش‌ها نمایانگر تحولات اخیر در این زمینه است و حکایت از بسط و گسترش این توجه طی

میان عامه و حتی برخی نخبگان است که وقتی واژه محیط زیست ذکر شود، جایگاه انسان‌ها در آن فراموش شده و وقتی سخن از اخلاق به میان آید، جایگاه عوالم غیر انسانی در آن نادیده گرفته می‌شود.

یکی از بهترین مقاطع سنی برای بررسی وضعیت اخلاق زیست محیطی و نیازسنجی و تصمیم‌گیری در مورد آن سن نوجوانی (دوران تحصیل در مقطع متوسطه) می‌باشد، چرا که با مروری بر آثار منتشر شده در این خصوص (Mirdamadiet, 2010)، (Hajhoseyni et al, 2010)، (Mousapur, 2011) و (Safi, 2009) می‌توان نتیجه گرفت:

الف) ورود به سن حساس و سرنوشت‌ساز نوجوانی و احساس نیاز به کسب آزادی بیشتر، حق انتخاب و مشارکت در سرنوشت و نیز آمادگی همکاری با گروه‌های اجتماعی، زمینه مناسبی را برای آغاز و پیگیری صحیح و تأثیر مناسب برنامه‌های آموزشی محیط زیست دوستانه در این قشر فراهم می‌کند.

ب) فرصت انتخاب رشته تحصیلی و ابراز تمایل به احراز موقعیت‌های شغلی، در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه، زمینه آموزش مهارت‌های حفظ و بهسازی محیط زیست ویژه هر رشته تحصیلی و هر موقعیت شغلی را به وجود خواهد آورد.

ج) با توجه به ارتباط مقوله طبیعت و محیط زیست با اکثر (یا تمامی) مطالب و سرفصل‌های درسی آموزشی و نیز اهداف آموزشی دوره متوسطه، اضافه شدن برنامه‌های آموزش محیط زیست به خصوص به صورت فعالیت‌های عملی، بازدیدهای علمی و گردش در طبیعت، می‌تواند هم کیفیت و جذابیت تمامی برنامه‌های آموزشی در سطح مدارس متوسطه را بالا برد و هم از ابتدا زمینه آشنایی دانش‌آموزان با فرصت‌ها و تهدیدهای زیست‌محیطی و راهکارهای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی در سطوح محلی تا جهانی را فراهم آورد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده با سطح اخلاق زیست محیطی در خانواده

آن ارزش ذاتی مختص خداوند باری تعالی است و ارزش سایر مخلوقات در این رابطه قابل تعریف است. (Sarvestani, 2012). هم آنان با ذکر این نکته که طرح مسئله «خلیفه الهی» یعنی حاکمیت انسان از طرف خدا بر عالم هستی در قرآن کریم ممکن است شائبه «انسان محور» بودن اخلاق اسلامی در رابطه با محیط زیست را به دنبال داشته باشد و خطر تخریب طبیعت و محیط زیست را این‌بار با توجیه دینی ایجاد کند، تصریح می‌کنند که: حقیقت خلیفه‌الهی انسان در زمین و اعطای عنوان اشرف مخلوقات به انسان می‌باید در کنار سایر تعالیم قرآنی در نظر گرفته شود. خلیفه‌ای که [از سوی خدا] بر زمین حکم می‌راند، مطابق امیال و خواسته‌های خود فرمان نمی‌راند؛ بلکه مطابق احکام الهی عمل می‌کند ... بنابراین از نظر قرآن، انسانی شایسته مقام خلافت خداوندی بر روی زمین است که از عدالت در رفتار با سایر اجزاء هستی منحرف نگردد. (Sarvestani, 2012).

از آنچه در باب اخلاق زیست محیطی بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که اخلاق زیست محیطی به معنای صحیح کلمه، در واقع «شاخه‌ای» از علم اخلاق نیست؛ چرا که نه علم اخلاق، حیطه‌هایی را مورد بحث قرار می‌دهد که خارج از محیط زیست باشد و نه محیط زیست گستره‌ای فراتر از گستره اخلاق دارد؟ اگر اخلاق را به بررسی خوبی و بدی افعال انسان در رابطه با هر نوع مفعول و محیط زیست را به معنای فضای پیرامونی موجود زنده و در اینجا انسان (که دیگر انسان‌ها نیز در آن حضور دارند)، معنی کنیم، آنگاه اذعان خواهیم نمود که هم دیگر انسان‌ها جزء محیط زیست هستند و هم نوع رفتار با عوالم غیر انسانی در چارچوب علم اخلاق قابل بررسی است. بنابراین با دوری از تعاریف سنتی و محدود واژه‌های اخلاق و محیط زیست، باید گفت: اخلاق زیست محیطی همان اخلاق است؛ لهذا بکار بردن واژه «اخلاق زیست محیطی» از نظر ادبی نوعی حشو خواهد بود و با رعایت ایجاز می‌باید که به جای به کار بردن واژه اخلاق زیست محیطی به ذکر واژه اخلاق بسنده نماییم. اما برآستی آنچه موجب می‌شود فعلاً نتوانیم با قاطعیت و صراحت چنین عمل کنیم، عدم شناخت دقیق اهمیت و جایگاه هر دو واژه اخلاق و محیط زیست در



شکل (۲) مدل تحلیلی مؤلفه‌های اخلاق زیست محیطی دانش آموزان

متغیرهای مستقل پژوهش عبارتند از: نوع منزل مسکونی، وضعیت مهاجرت، تحصیلات والدین، وضعیت اشتغال والدین و تعداد فرزندان که در این پژوهش به عنوان «ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده» در نظر گرفته شده‌اند (شکل ۱). متغیر وابسته در این تحقیق عبارت است از «اخلاق زیست محیطی دانش آموزان» که در چهار موضوع: ۱. مشارکت‌های اجتماعی برای حفظ محیط زیست ۲. مصرف بهینه منابع ۳. جلوگیری از آلودگی و ۴. طبیعت دوستی تنظیم شده‌اند. برای هر پرسش نیز سه گزینه در سه سطح «ضعیف، متوسط و خوب» در نظر گرفته شده است (شکل ۲)، تا با الگویی مشابه طیف لیکرت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

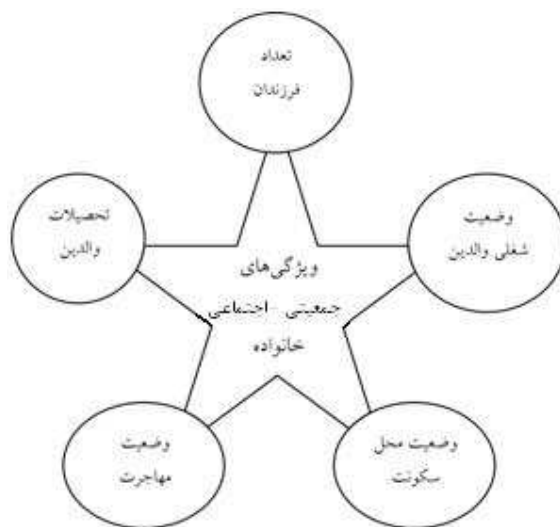
یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده پرسش‌شوندگان، به ترتیب زیر بوده است:
 - از کل ۳۶۰ دانش آموز نمونه انتخاب شده، ۲۰۵ نفر پسر و ۱۵۵ نفر دختر بوده‌اند. از این تعداد، ۱۳۰ نفر در پایه تحصیلی اول، ۱۲۳ نفر در پایه دوم و ۱۰۷ نفر در پایه سوم دبیرستان بوده‌اند.
 - از نظر تعداد فرزندان، ۶/۱ درصد خانواده‌های دانش‌آموزان، دارای یک فرزند، ۴۵/۶ درصد دارای دو فرزند، ۲۵ درصد

دانش‌آموزان می‌باشد و هدف فرعی آن، کسب اطلاعات در خصوص سطح اخلاق زیست محیطی در خانواده دانش‌آموزان جامعه آماری است.

روش، ابزار و جامعه آماری پژوهش

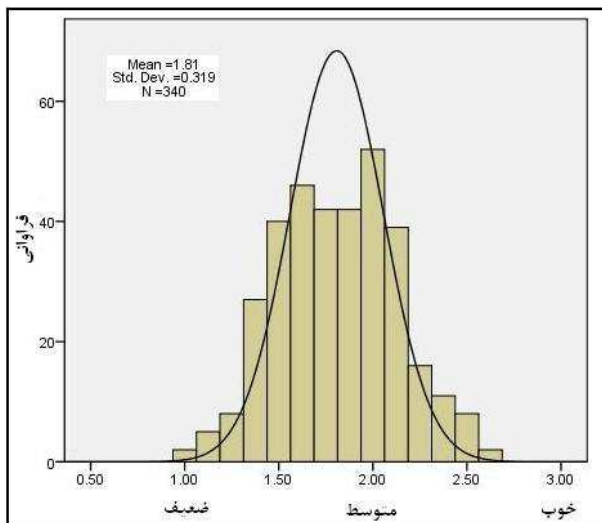
این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی به کمک پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته انجام شده است. نتایج بدست آمده از پرسش‌نامه‌ها با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و صحت فرضیه‌ها به کمک آن مورد آزمون قرار گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان ابهر در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ می‌باشد. تعداد افراد جامعه ۴۴۶۷ نفر بوده که با توجه به جدول مورگان ۳۶۰ نفر از آنان به عنوان نمونه به صورت تصادفی و با روش خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل دو بخش «ویژگی‌های جمعیتی شناختی خانواده» و «اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان» بوده که روایی صوری آن با مشورت جمعی از استادان و کارشناسان حوزه‌های علوم تربیتی و محیط زیست در سطح استان تأمین شده و پایایی آن پس از تکمیل توسط ۳۰ نفر از دانش‌آموزان، با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷۱ تأیید گردید.



شکل (۱) مدل تحلیلی ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده

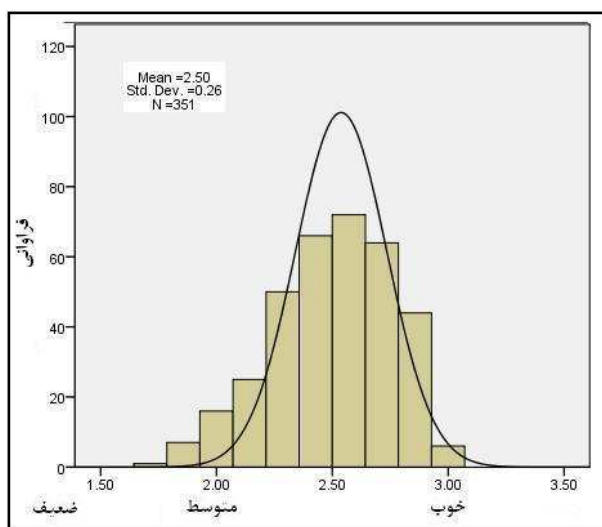
رضوانی و همکاران، مطالعه سطح اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان ابهر و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی خانواده

هستند. در واقع تمایل پاسخها با کمی چولگی مثبت (۰/۰۶۱) به سمت متوسط و ضعیف است (شکل ۴).



شکل (۴) توزیع فراوانی ارزش‌های مولفه مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان

- از نظر مصرف بهینه منابع برای حفظ محیط زیست حدود ۹۳ درصد به طور میانگین در حد خوب هستند. در واقع تمایل پاسخها دارای چولگی منفی (۰/۴۱۹-) به سمت خوب است (شکل ۵).



شکل (۵) توزیع فراوانی ارزش‌های مولفه مصرف بهینه منابع در بین دانش‌آموزان

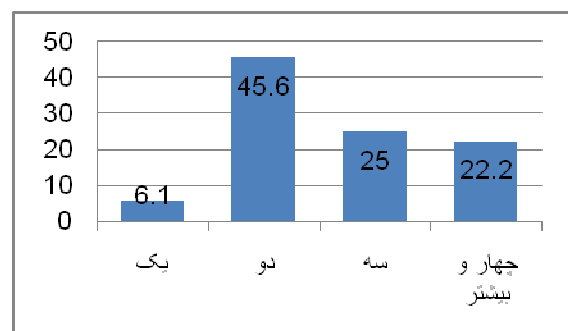
دارای سه فرزند و ۲۲/۲ درصد دارای چهار فرزند و بیشتر بوده‌اند.

- سطح تحصیلات پدر دانش‌آموزان، ۷۲/۵ درصد زیر دیپلم و دیپلم، ۲۰/۸ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۵/۸ درصد فوق لیسانس و دکتری بوده است. همچنین سطح تحصیلات مادر دانش‌آموزان، ۷۷/۵ درصد زیر دیپلم و دیپلم، ۱۸/۳ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۳/۱ درصد فوق لیسانس و دکتری بوده است.

- نوع شغل پدر دانش‌آموزان، ۱۲/۸ درصد در مشاغل صنعتی، ۷۸/۳ درصد در مشاغل خدماتی و ۶/۷ درصد در مشاغل کشاورزی بوده است. همچنین، ۸۲/۲ درصد مادر دانش‌آموزان، خانه‌دار بوده و ۱۴/۴ درصد شاغل می‌باشند.

- از نظر وضعیت مهاجرت، ۷۹/۲ درصد خانواده‌های دانش‌آموزان، غیر مهاجر و ۲۰/۸ درصد مهاجر بوده‌اند.

- از نظر نوع منزل مسکونی، ۸۶.۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مسکن ملکی بوده و ۸.۱ درصد از آنها مسکن استیجاری داشته‌اند.

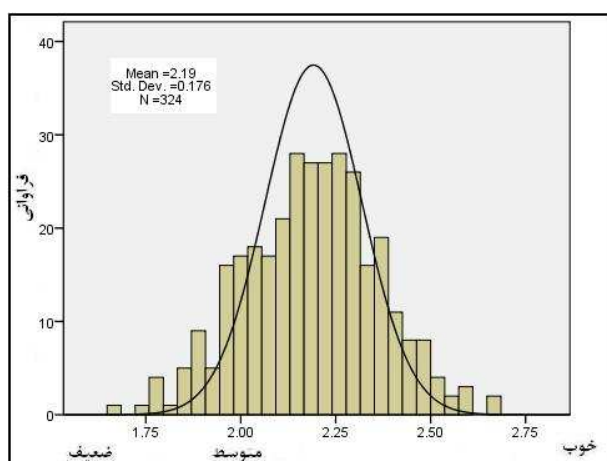


شکل (۳) توزیع تعداد فرزندان خانواده‌های دانش‌آموزان

وضعیت سطح اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان بر اساس مؤلفه‌های: ۱. مشارکت‌های اجتماعی برای حفظ محیط زیست ۲. مصرف بهینه منابع ۳. جلوگیری از آلودگی و ۴. طبیعت دوستی به شرح زیر است:

- از نظر مشارکت‌های اجتماعی برای حفظ محیط زیست فقط حدود ۲۳ درصد به طور میانگین در حد خوب

- در مجموع چهار مولفه فوق، وضعیت سطح اخلاق زیست محیطی در جامعه مورد مطالعه و بر اساس ۲۷ پرسش مربوط به سطح اخلاق زیست محیطی موجود که هریک دارای سه گزینه ضعیف، متوسط و خوب (و با اعداد ۱، ۲ و ۳ به ترتیب) بودند، حدود ۸۲ درصد به طور میانگین در حد خوب هستند. در واقع تمایل پاسخها دارای کمی چولگی منفی (۰/۰۶۶-) به سمت خوب است (شکل ۸).



شکل (۸) توزیع فراوانی ارزشهای مولفه های حفظ محیط زیست در بین دانش آموزان

در تحلیل وابستگی و ارتباط سطح اخلاق زیست محیطی با ویژگی های جمعیتی - اجتماعی خانواده دانش آموزان با استفاده از آزمون کای اسکور و ضرایب همبستگی اسپیرمن (جدول ۲ و ۳) نتایج زیر بدست آمده است:

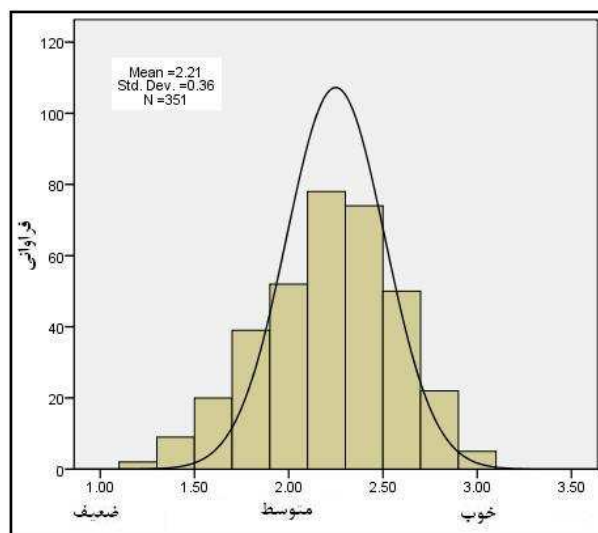
- متغیرهای وضعیت شغلی پدر، وضعیت مهاجرتی خانواده و وضعیت محل سکونت از نظر مالکیت با سطح اخلاق زیست محیطی دانش آموزان می توانند مرتبط باشند.

- متغیرهای جنسیت و پایه تحصیلی با سطح اخلاق زیست محیطی دانش آموزان ارتباط دارند.

- متغیرهای وضعیت شغلی مادر، سطح تحصیلات پدر و مادر، شغل مادر و تعداد فرزندان ارتباطی را با اخلاق زیست محیطی دانش آموزان نشان ندادند.

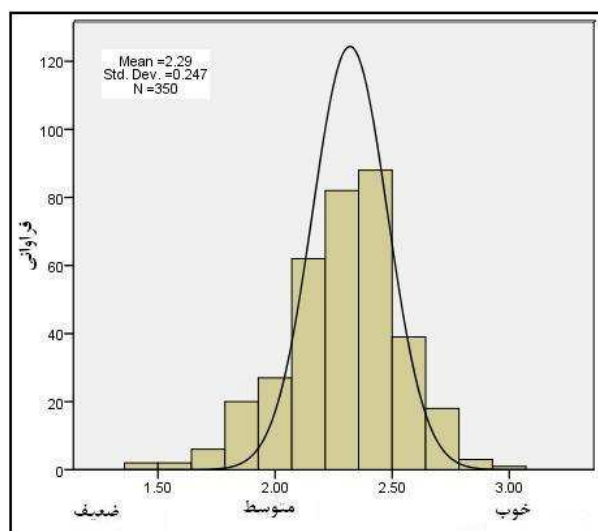
- ارتباط متغیرهای این پژوهش با مولفه ها و تک تک گویه های پرسشنامه اخلاق زیست محیطی وضعیت بهتری را نشان می دهد.

- از نظر جلوگیری از آلودگی ها برای حفظ محیط زیست حدود ۶۵ درصد به طور میانگین در حد خوب هستند. در واقع تمایل پاسخها دارای چولگی منفی (۰/۲۸۴-) به سمت خوب است (شکل ۶).



شکل (۷) توزیع فراوانی ارزشهای مولفه جلوگیری از آلودگی در بین دانش آموزان

- از نظر طبیعت دوستی برای حفظ محیط زیست حدود ۸۴ درصد به طور میانگین در حد خوب هستند. در واقع تمایل پاسخها دارای چولگی منفی (۰/۴۵۳-) به سمت خوب است (شکل ۷).



شکل (۷) توزیع فراوانی ارزشهای مولفه طبیعت دوستی در بین دانش آموزان

جدول (۲) استقلال یا همبستگی بین ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی و سطح اخلاق زیست محیطی با آزمون کای اسکور

	Value	df	Sig.(2-sided)
جنس	28.372	25	.291
پایه تحصیلی	64.715	50	.079
تحصیلات پدر	49.754	50	.483
تحصیلات مادر	41.049	50	.812
شغل پدر	288.824	225	.003
شغل مادر	83.313	100	.886
تعداد فرزند	73.061	75	.542
مهاجرت	114.281	75	.002
مسکن	38.405	25	.042

جدول (۳) آزمون ضرایب همبستگی (اسپیرمن) بین ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی و سطح اخلاق زیست محیطی

	Value	Asy. Std. Error	Sig.
جنس	.127	.055	.022
پایه تحصیلی	-.197	.053	.000
تحصیلات پدر	.017	.055	.765
تحصیلات مادر	-.026	.055	.648
شغل پدر	.011	.059	.848
شغل مادر	.006	.053	.915
تعداد فرزند	-.065	.056	.245
مهاجرت	.018	.056	.753
مسکن	.055	.059	.335

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نمودارهای ارائه شده، می‌توان گفت که سطح اخلاق زیست محیطی اکثر دانش‌آموزان بالاتر از حد وسط می‌باشد. این موضوع به ویژه در مورد مولفه‌های مصرف بهینه منابع، جلوگیری از آلودگی و طبیعت دوستی شاخص تر است. عمده مواردی که در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل (ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده) رابطه آن‌ها با اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان مورد آزمون قرار گرفت، مواردی بودند که در پیام‌های آموزشی مربوط به برنامه ملی کنترل

جمعیت در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد به عنوان راه کارهای دستیابی به یک زندگی ایده‌آل، بهبود وضعیت آموزش و پرورش کودکان، توسعه اقتصادی و فرهنگی و بهبود وضعیت زیست محیطی جامعه مورد توجه قرار گرفته بودند؛ دانش‌آموزان جامعه هدف این پژوهش نیز متولدین اوایل یا اواسط دهه هفتاد بوده و قطعاً والدین آن‌ها که در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد زندگی مشترک خود را آغاز نموده‌اند، به عنوان مخاطبان پیام‌های آموزشی پیش گفته، هریک به فراخور اعتقادات و شرایط خویش، رویکردی در قبال این پیام‌ها اتخاذ نموده‌اند که در شرایط فعلی خانواده آنان (که برخی از این شرایط، در این پژوهش به عنوان ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی خانواده مورد بررسی قرار گرفته)، متجلی است.

افزایش اشتیاق به ادامه تحصیل جوانان و تشویق حضور بیشتر زنان در عرصه اجتماع (مشخصاً با پذیرش شغل و فعالیت اقتصادی) افزایش سن ازدواج را به دنبال داشته و نتیجه آن (با توجه به ملاحظات بهداشتی و گسترش خدمات رایگان تنظیم خانواده) کاهش تعداد فرزندان خانواده‌ها (مشخصاً به تعداد یک یا دو فرزند) بوده است. میل به داشتن یک زندگی مرفه نیز، در نتیجه بالا رفتن توقعات ناشی از افزایش تحصیلات نسل جوان و اشتغال بانوان و نیز بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، آنان را به داشتن مسکن بهتر و یا مهاجرت به مراکز جمعیتی و شهرهایی با امکانات بیشتر سوق داده است. در خصوص رابطه بین سطح اخلاق زیست محیطی و تعداد فرزندان خانواده، همانگونه که رودی فهیمی با درج تصاویری از پیام‌های تبلیغاتی دور جدید برنامه کنترل جمعیت در ایران (اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد) اعلام داشته است، در این پیام‌ها، کاهش جمعیت یکی از عوامل زمینه‌ساز بهبود «سطح آموزش» فرزندان خانواده‌ها قلمداد می‌شده است (Roudi-Fahimi, 2002). بدیهی است که می‌توان ارتقای سطح آگاهی، نگرش و رفتار زیست محیطی را یکی از جلوه‌های مهم بهبود سطح آموزش فرزندان خانواده‌ها دانست. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش یا افزایش تعداد فرزندان،

et al, 2010). اما دانشور راد در بررسی میزان علاقه و رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان و معلمان مقطع متوسطه شهر قم این رابطه را معنی‌دار عنوان نمی‌کند (Daneshvar rad, 2009). نمکین و همکاران نیز که به بررسی شیوع مصرف سیگار و نگرش و آگاهی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر بیرجند در مورد مضرات سیگار (به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی و مهم اخلاق زیست محیطی) پرداخته‌اند، در بیان نتایج پژوهش خود اعلام می‌دارند که با افزایش سطح تحصیلات پدر و مادر، شیوع مصرف سیگار و تجربه سیگار کشیدن افزایش نشان می‌دهد (Namakin et al, 2008). نتایج پژوهش حاضر، ارتباط معنی‌داری را میان افزایش سطح تحصیلات والدین و بهبود وضعیت اخلاق زیست محیطی دانش‌آموزان نشان نمی‌دهد؛ لذا باید اذعان نمود که نه نفس تحصیلات عالی بلکه نوع نگرش دانش‌پژوه به اینگونه تحصیلات و چگونگی مدیریت آن در سطح کشور می‌تواند پیامدهای متفاوتی را در سطح فرهنگ فرد و جامعه به دنبال داشته باشد.

در باب رابطه بین سطح اخلاق زیست محیطی و شرایط شغلی والدین (برخی نویسندگان اشتغال به کشاورزی را باعث تعالی اخلاق و احترام بیشتر به محیط زیست دانسته‌اند. (Sarvestani and Shahvali, 2009) و (Gurian, 2010) در این پژوهش رابطه معنی‌داری میان سطح اخلاق زیست محیطی فرزندان پدران شاغل در مشاغل صنعتی، کشاورزی و خدماتی به دست نیامده است اگرچه مستقل از آن هم نبوده است؛ لذا به نظر می‌رسد می‌توان از ظرفیت‌های موجود در تمامی گروه‌های شغلی برای بهبود حس حفاظت از محیط زیست میان کارکنان و انتقال این حس به خانواده و فرزندان بهره جست. در خصوص رابطه اشتغال بانوان با بهبود وضعیت تربیت و افزایش سطح اخلاق زیست محیطی فرزندانشان نیز نظرهای متفاوتی از سوی دانشمندان علوم اجتماعی ارائه شده است. یزدانی، در بیان آثار مثبت اشتغال بانوان بر سلامت و تربیت فرزندانشان می‌نویسد: اشتغال زنان و کسب دانش و مهارت‌های اجتماعی، موجب ارتقاء مهارت‌های برنامه‌ریزی و اداره خانواده توسط زنان می‌گردد و زمینه‌های خود مدیریتی و اعتماد به نفس را در فرزندان پرورش می‌دهد. اشتغال زنان

رابطه معنی‌داری با چگونگی وضعیت اخلاق زیست محیطی آنان ندارد؛ لذا بسیار مهم است که در جهت گیری‌های جمعیتی در آینده به مسئله بهبود سطح اخلاق زیست محیطی و در نتیجه بهبود شاخص‌های زیست محیطی جامعه، به عنوان موضوعی مستقل از کمیّت جمعیت (اما نه بی‌ارتباط با آن) توجه داشته و آن را نتیجه قهری کاهش (یا افزایش) جمعیت قلمداد ننمود. اگر به دنبال اصلاح ساختار جمعیتی کشورمان هستیم و این کار را باعث بهبود وضعیت زندگی نسل‌های آینده می‌دانیم و خانواده‌ها را به داشتن فرزندان بیشتر یا کمتر تشویق می‌نمائیم، بسیار لازم است فرصت‌هایی برای والدین قائل شویم تا در خصوص مراحل رشد و روش درست تربیت فرزندانشان به مطالعه بپردازند و به مشاوره کافی دسترسی داشته باشند؛ آنان همچنین پس از تولد فرزندان باید بتوانند اوقات بیشتری را با فرزندان خویش سپری کنند.

در خصوص رابطه بین سطح اخلاق زیست محیطی و تحصیلات والدین، آنچه از اغلب منابع علمی و اظهار نظر کارشناسان به دست می‌آید اینکه افزایش تحصیلات والدین و ورود آنان به تحصیلات عالی، در تربیت صحیح فرزندان و اداره بهتر خانواده و جامعه، مفید و مؤثر است؛ همین موضوع در اجرای دور جدید برنامه ملی کنترل جمعیت مورد توجه مسئولان، کارشناسان و مردم قرار گرفته است؛ رزالین مک اون معتقد است: بانوان تحصیل‌کرده فرزندان کمتر و سالم‌تری دارند؛ وی هرچند ارتباط بین آموزش و توسعه پایدار را پیچیده معرفی می‌کند لیکن صراحتاً افزایش تحصیلات بانوان را عامل بهبود وضعیت اجتماع و محیط زیست می‌داند و می‌نویسد: آموزش برای تغییر و اصلاح شیوه‌های زندگی زنان سودمند است. یک زن تحصیل‌کرده منزلت بالاتری به دست آورده و احساس لیاقت بیشتری می‌کند. یک زن تحصیل کرده مایل است که فرزندان کمتری داشته باشد و بدین ترتیب مراقبت بهداشتی بهتری برای آنان فراهم سازد (Mckeown, 2004). میردامادی و همکاران در بررسی آگاهی دانش‌آموزان نسبت به محیط‌زیست در مدارس متوسطه شهر تهران، تحصیلات والدین را با بهبود وضعیت آگاهی زیست محیطی دانش‌آموزان دارای رابطه معنی‌دار معرفی کرده‌اند (Mirdamadi

روحیه و عواطف و جایگاه اجتماعی او سازگاری ندارد، در خارج از خانه به سر می‌برد، محروم گردد؛ بلکه مادران باید بتوانند بی‌دغدغه از مشکلات اقتصادی خانواده به مدیریت امور خانواده و تربیت فرزندان بپردازند و شغل‌های خارج از منزل را برای بهره‌گیری از دانش و تخصص خویش در جایی که جامعه بدان نیازمند است و قدر نیروی متخصص را به خوبی می‌داند و نیز به منظور استفاده بهینه از زمان فراغت و مشارکت در عرصه اجتماع، در حد ضرورت برعهده گیرند؛ تنها در این صورت است اشتغال بانوان، زمینه‌ای برای بهبود جایگاه اجتماعی و تقویت روحیه آنان و نتیجتاً بهبود وضعیت اخلاق زیست محیطی فرزندان‌شان (نسبت به فرزندان مادرانی که شاغل نیستند یا شغل خارج از منزل را صرفاً برای تأمین نیازهای اولیه اقتصادی خانواده اختیار نموده‌اند)، مؤثر باشد.

بالاخره درباره رابطه سطح اخلاق زیست محیطی با نوع مالکیت منزل مسکونی و وضعیت مهاجرت، گرچه در نتایج این پژوهش، ارتباط معنی‌داری میان متغیرهای مورد بررسی مشاهده نشده است گرچه مستقل از آن هم نبودند، به نظر می‌رسد (و یا شایسته است چنین باشد که) بهبود شرایط منزل مسکونی از استیجاری به ملکی و نیز مهاجرت خانواده‌ها به شهرهایی که (لااقل به تشخیص خودشان) در آن شهرها شرایط مطلوب‌تری از نظر فرهنگی و اقتصادی خواهد داشت، به افزایش سطح رفاه خانواده‌ها کمک کرده و فرصت و آمادگی بیشتری برای توجه والدین به نیازهای روحی، عاطفی و اخلاقی فرزندان‌شان فراهم نماید.

سپاسگزاری

در اینجا لازم است از مدیریت آموزش و پرورش شهرستان ابهر، مدیران و مربیان مدارس متوسطه این شهرستان و کلیه دانش‌آموزان عزیز که با مشارکت مسؤله خود در تکمیل پرسشنامه‌ها، در انجام این پژوهش همکاری نموده و کارشناسانی که در تهیه پرسشنامه و اجرای پژوهش از مشورت آنان استفاده شده است، تشکر و قدردانی نمائیم.

موجب می‌شود پدران زمان بیشتری را به تربیت فرزندان خود اختصاص دهند و فرزندان از موهبت حضور مادران و پدران به یکسان برخوردار شوند. اشتغال، موجب اعتماد به نفس در مادران و انتقال آن به فرزندان می‌شود. هم او در تشریح آثار منفی مترتب بر اشتغال بانوان می‌نویسد: حضور مادران در خارج از خانه، موجب سپردن فرزندان به مراکز نگهداری و یا مربیان کودک می‌گردد. بسیاری از متخصصان در نقش این مراکز در تربیت فرزندان و ایفای مسؤولیت‌های مادران ابراز تردید می‌نمایند و غیبت مادران شاغل از محیط خانواده را موجب عوارض منفی در تربیت فرزندان می‌دانند (Yazdani, 2004). نمکین و همکاران نیز در بررسی شیوع مصرف سیگار و نگرش و آگاهی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر بیرجند در مورد مضرات سیگار (به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی و مهم اخلاق زیست محیطی) اعلام داشته‌اند که شیوع مصرف سیگار در دانش‌آموزان دارای مادران شاغل، بیشتر از دانش‌آموزان دارای مادران خانه‌دار بود و این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود (Namakinand et al, 2008). در نتایج پژوهش حاضر تفاوت معنی‌داری میان سطح اخلاق زیست محیطی در میان فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه‌دار مشاهده نشده است. بدیهی است که یک جامعه پویا و رو به رشد نمی‌تواند و نباید خود را از تخصص و مهارت و کفایت زنان محروم نماید؛ به ویژه در عرصه تعلیم و تربیت و در فعالیت‌های محیط زیست دوستانه، زنان با بهره‌مندی از حس مادرانه و عواطف سرشار خویش می‌توانند بسیار مؤثرتر از مردان عمل کنند و راهبری تربیت نسل آینده و بهبود وضعیت محیط زیست به عنوان امانت نسل‌های آینده را به شایستگی برعهده بگیرند؛ لیکن باید توجه داشت که نقش حساس و سرنوشت‌ساز زنان در تربیت نسل آینده و بهبود وضعیت محیط زیست نباید با برخی نقش‌های سطح پائین و مشاغلی که اصولاً لزومی به حضور زنان در آن مشاغل نیست، معاوضه گردد و کانون گرم خانواده از حضور ارزشمند و متعالی مادر در زمانی که وی صرفاً برای کسب درآمد به منظور تأمین نیازهای اولیه اقتصادی خانواده (آن هم در مشاغلی که با

MirDamadi, Mehdi, et al (2010) study on high school students in Tehran knowledge about Environment protection, Journal of Environmental Science and Technology, Volume 12, Number 1 Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran.

Miller, GT (2001) Living in the Environment (translation M. Makhdoom), seventh edition, Tehran: Tehran University.

Namakin, kokab and colleagues (2008), smoking prevalence and high school students' attitudes and knowledge about smoking hazards Birjand, Birjand University of Medical Sciences Journal.

Rahbari, Hassan (2006) ,Islam and and regulation of papulation, Qom: Boostan-e-Ketab.

Roudi-Fahimi, Fahimeh. (2002). Iran's family planning program: responding to anation's needs. Washington DC: Population Reference Bureau.

Safi, Ahmad. (2009), education, elementary, middle school and high school, tenth edition, Tehran: Samt.

SarvestaniAbedi, Ahmad Shah Wali M. (2009) The role of agricultural extension in improving the agricultural, environmental ethics, ethics of science and technology, fourth year, the numbers 1 and 2.

Yazdani, J. (2004), education, employment and empowerment of women, Tehran: Ministry of Education.

Zanjani, Habibollah et al. (2000), Population, Development and Reproductive Health, Tehran: Boshra.

References

- AbediSarvestani, Ahmad., et al (2012), Principles and approaches to environmental ethics, Tehran: Iranian Institute of Philosophy.
- Benson, John (2003), Environmental Ethics, preparations and articles (translation A. WahabZade), Mashhad: Mashhad University Jahad publications.
- Daneshvar rad, Simin (2009), study on the rate of interest and the environmental behavior of teachers and students towards environmental protection in high school in Qom, Tehran: Payam Noor University, Tehran, Master Thesis Orientation Education Curriculum.
- Gurian, Michael (2010), A Fine Young Man (translation M. Qrachhedaghi), Third edition, Tehran: Naghsh-o-negar.
- Haj Hosseini and colleagues (2010), the priority training and needs assessments of high school students in the field of environment and sustainable development, Environmental Science and Technology, Volume 12, Number 1 Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran.
- J. Barrow, Christopher (2001), Principles and practice of environmental management (translation M. Androody), Tehran: Publication of Congress.
- Mckeown, Rzalyn (2004), Education for Sustainable Development (translated by DariushKarimi and Kamran Ganji), Tehran: Kianmehr.
- Musapoor, Nematollah et al. (2011), Planning Principles of high school Education, Third Edition, Mashhad: Behnashr.